

ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی در نظام بین‌الملل امروز؛ فرصت‌ها و چالش‌ها

ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی در نظام بین‌الملل امروز؛ فرصت‌ها و چالش‌ها

سینا کریمی^[1]

چکیده

تمدن نوین اسلامی بر آن است که با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و همچنین بهره‌مندی از دستاوردهای تمدن بشری، به ایجاد تمدنی نوین بپردازد که بتواند تمامی جنبه‌های تمدن مدنی را در برداشته باشد. در این مقاله تلاش می‌شود از ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی مشتمل بر: دین‌باوری امت‌مدار، خردباوری، تمدن‌اندیشی، خودباوری، غرب‌پژوهی و عوامل دیگر بحث شود. از آنجایی که برای حرکت تمدن اسلامی چالش‌هایی نظیر عدم پیروی از رهبری واحد، فرهنگ مهاجم غربی و اختلاف‌افکنی در میان مسلمانان، موانعی چون مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان و عدم توجه به عقلانیت دینی تفرقه‌درونی امت، تهاجم تمدن غرب وجود دارد. لذا جهت کاهش این آسیب‌ها می‌بایستی به فرصت‌ها و تدابیری که برای رفع این موانع وجود دارد پرداخت؛ توجه به نقش رهبران دینی، فکری، فرهنگی و گروه‌های مرجع و نخبگان در هدایت مردم راهکار درستی برای مقابله با این مشکلات می‌باشد. بر این اساس تمدن نوین اسلامی و خصوصیات آن اگر به‌صورت جدی مرکز توجه و فعالیت قرار گیرند و از غفلت نسبت به آن خودداری شود، ضمن ایجاد تحولات عمیق در جامعه انسانی، مجموعه از اندوخته‌های مادی و معنوی جهت نیل انسان به

کمال مطلوب به بشریت عرضه خواهد کرد. در همین راستا پژوهش حاضر ضمن واکاوی خصوصیات تمدن نوین اسلامی به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو این تمدن می‌پردازد.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی، فرصت‌ها و چالش‌ها، مسلمانان، خصوصیات تمدن نوین اسلامی

مقدمه

با خروج انسان‌ها از زندگی بدوی و ابتدایی و ورود به زندگی شهرنشینی و راه و رسم انسانیت و ترقی، تمدن به وجود آمد. تمدن، حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی است. (ولایتی، ۱۳: ۱۳۸۶) تمدن دارای دو جنبه مادی و روحی است. مادی همان نیروی حسی و تمام آن چیزهایی است که از حس پیروی می‌کند و یا آن را مدد می‌رساند، اما جنبه روحی یا نیروی معنوی آن عبارت از هدف‌های شریف انسانی و اخلاقی و سعی در رسیدن به آن‌ها است. کوشش برای بهبود روابط انسان‌ها و بالا بردن شعور اجتماعی و افزایش آگاهی افراد از نظر سیاسی و عادت دادن انسان‌ها به اینکه در راه فضیلت و مصلحت انسان‌ها گام بردارند و درباره نیکی و زیبایی بیندیشند و آرمان‌هایی برای رستگاری آدمیان داشته باشند و دل‌هایشان به مهر هم‌نوع بتپد و همچنین وضع آیین‌ها و قانون‌هایی برای تعلیم و تربیت صحیح مردم و پدیدآوران بنیادهایی برای تغذیه روح انسان‌ها و در راه نیکی به انسان‌ها، همه و همه جنبه روحی تمدن و از نیروی معنوی آن است. (کسمایی، ۲۲: ۱۳۵۴) تمدن نوین اسلامی آمیخته‌ای از دنیا و آخرت و عالم ماده و معناست. تاریخ اسلام در زمینه تمدن، سابقه پرافتخاری دارد. از آنجایی که تمدن شناس گامی مؤثر در جهت تمدن سازی و خروج از سلطه تمدن‌های دیگر است و در راستای تشخیص کارآمدی نظام‌های اندیشه‌ای، مؤثر واقع می‌شود. (اردکانی، ۱۱۰: ۱۳۸۰) بنابراین چنین به نظر می‌رسد که ارائه خصوصیات و ویژگی‌های تمدن اسلامی به‌طور اعم و تمدن نوین اسلامی به‌طور اخص، بتواند گامی مؤثر در راستای تمدن سازی و خروج از سیطره دیگر تمدن‌ها باشد. (تقی نیا، صوفی، رستمی، ۳-۲۰: ۱۳۹۳) تمدن اسلامی و شاخص‌هایش اگر به‌صورت جدی مرکز توجه و فعالیت قرار گیرند، مجموعه‌ای از اندوخته‌های مادی و معنوی جهت نیل انسان به کمال مطلوب به بشریت عرضه خواهد نمود؛ همان‌طور که در بعضی از اعصار اندیشمندان و آگاهان دیگر جوامع به‌وضوح به تأثیرپذیری تمدن و فرهنگ جوامع شان از تمدن اسلامی اقرار داشته و اعتراف می‌کنند. ویل دورانت از جمله نویسندگانی است که به این برتری تمدن اسلامی و تأثیرش بر تمدن غربی تأکید می‌نماید؛ بر این اساس آگاهی از ویژگی‌های تمدن اسلامی و پیاده کردن آن در جامعه، فرصت بسیار مغتنمی است که در سایه آن، افراد بشر به رشد و پویایی آینده رقم زنند.

در نتیجه باید به صورت جدی تر و عمیق تر به نهادینه کردن و در مراحل بعد عملی کردن این شاخص ها که می توان گفت تاکنون مورد غفلت واقع شده است، پرداخت تا تمدن اسلامی به معنای واقعی در حیات انسانی رخ دهد. (تقی نیا، صوفی، رستمی، 3-1393:20) در همین راستا، شاخصه اصلی تمدن اسلامی، توسعه و تکامل همه جانبه انسانی است، نه رشد یک بعدی و تک ساختی. از این رو نه جامعه راهبان دیرنشین و صوفیان خانقاه نشین، اما فقیر و مفلوک مطلوب است، نه جامعه مرفه مترفین غرق در دنیا و غافل از خدا. جامعه مطلوب قرآنی جامعه ای است که در آن عقلانیت، دیانت، عدالت و پیشرفت در عالی ترین حد ممکن باشد. تمدن قرآنی به داشتن برج ها و آسمان خراش ها نیست. تمدن قرآنی که برمدار بندگی است، رسالتش تحقق عدل و احسان و نقوی و پیشگیری از ستم و فساد و طغیان و مبارزه با آن است. تبعاً در هر تمدنی ناسامانی هایی نیز وجود دارد و تمدن اسلامی مبری از این مشکلات نخواهد بود.

متفکران بشری از دیرباز، اهتمام ویژه ای به بحث جامعه داشته و به فراخور رویکرد و مجال فکری خویش عناصری را برجسته دیده اند. عناصر لازم و ارکان هویت بخش یک جامعه پیشرفته و متمدن در فرهنگ مادی و سکولار و غیر الهی، برحسب مبنای متافیزیکی آن، پیشرفت در علم و فناوری، سلطه بر طبیعت، اقتدار اجتماعی سیاسی و اقتصادی و مانند آن به منظور تأمین رفاه و آسایش همگان است؛ اما پیشرفت مقبول و تمدن مطلوب جامعه بر مبنای نگرش توحیدی در صورتی محقق است که افزون بر عناصر فوق، ارزش های اساسی دیگری در آن جامعه جریان داشته، زمینه سعادت آحاد آن فراهم آید. از سوی دیگر تمدن نوین اسلامی با مفاهیمی مانند؛ بیداری اسلامی، بیداری انسان، انقلاب آزادی، بهار عربی و موج دموکراسی خواهی، رابطه نزدیکی دارد؛ یکی از نظریه هایی که به نوعی می توان مفاهیم فوق را با آن تحلیل نموده و مورد کاوش و بررسی قرارداد، نظریه خیزش تمدنی است؛ بر اساس نظریه خیزش تمدنی بیداری اسلامی نهضتی است احیاگر و هویت بخش که به صورت مستمر از یک و نیم قرن پیش در جهان اسلام به راه افتاده است و مراحل متعددی را طی کرده است. منشأ این بیداری اراده خداوند، تعالیم دین اسلام و مجاهدت علما و مصلحان اسلامی است و عمق آن تا بعد تمدنی اسلام پیش رفته است. این حرکت مستمر، از فریاد و مبارزه در مقابل استبداد و استعمار گرفته تا دوران تجربه و عملکرد و تا خیزش تمدنی اخیر، دورانی از بیداری، استقلال خواهی و هویت جویی را شکل داده است. انقلاب اسلامی در میانه این دوران و با بیش از سی سال تجربه و عملکرد موفق خود، توانست این حرکت را از سطح مبارزه و قیام و انقلاب، به سطح نظام سازی و حرکت در مسیر تکامل با افق تمدن اسلامی ارتقا دهد. بر این اساس، جنبش های اخیر نوپای جهان اسلام، با نظر به انقلاب اسلامی در یک منازعه تمدنی به وقوع می پیوندد؛ منازعه ای که میان تمدن غربی و بزرگ ترین نامزد تمدن آینده یعنی اسلام به نمایندگی انقلاب اسلامی در جریان است. (مطاهری، 125-1393:143)

تمدن نوین اسلامی که جوانه‌های شکوفایی آن با انقلاب اسلامی ایران پدیدار گردید، در مهر و موم‌های اخیر با بروز جنبش‌ها و قیام‌های مردمی در میان ملت‌های مسلمان جهان که با نام بیداری اسلامی شناخته شده است روندی رو به رشد به خود گرفته است. با الگوبرداری از انقلاب اسلامی ایران و مشاهده پیشرفت‌های شگرفی که با اتخاذ نگرشی نوین در فرآیند تمدنی جهان صورت گرفته است، جرقه‌های بازیابی شوکت و عظمت گذشته تمدن اسلامی زده شده است. روندی رو به رشد به خود گرفته است. با الگوبرداری از انقلاب اسلامی ایران و مشاهده پیشرفت‌های شگرفی که با اتخاذ نگرشی نوین در فرآیند تمدنی جهان صورت گرفته است، جرقه‌های بازیابی شوکت و عظمت گذشته تمدن اسلامی زده شده است. با توجه به عدم اقبال فکری و فرهنگی بشر از طریق پیروی و بهره‌گیری از تمدن‌های موجود و رویکرد و اقبال گسترده و روزافزون جوامع بشری به اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی که موجبات نگرانی دولت‌های غربی را نیز فراهم نموده است، لزوم هوشیاری و توجه دقیق در مسئله ایجاد، پرورش و گسترش تمدن نوین اسلامی بیش از پیش نمایان است. تمدن نوین اسلامی سعی بر آن داشته است که با بهره‌گیری از ابزارها، مواهب و دستاوردهای مفید تمدن مادی غرب، به ایجاد تمدنی نوین بپردازد که بتواند تمامی جنبه‌های تمدنی را در برداشته باشد. فرهنگ‌های جاری جوامع، توسعه امکانات ارتباطی و آسیب‌های آن، گروه‌های فکری - اجتماعی مختلف و نیز رویارویی تمدن‌های مستقر جهانی با فرآیند تمدن سازی نوین اسلامی باعث بروز آسیب‌ها، چالش‌ها و موانعی بر سر راه این تمدن گردیده است.

نظریه سازه‌انگاری

اما نظریه دیگری که در آن به موضوع فرهنگ تمدن‌ها توجه ویژه‌ای مبذول شده است، نظریه سازه‌انگاری است که پژوهش حاضر در چارچوب آن تحلیل و تبیین خواهد شد. تا پیش از تحولات اساسی بین‌المللی در اواخر سده گذشته، توجه به قدرت، منافع، ساختار و نهاد برای کشورها رواج بسیاری داشت؛ اما ناکامی نظریه‌ها در پیش‌بینی و تحلیل آن تحولات، توجه به عوامل "فرهنگی و اجتماعی" را در دستور کار نظریه‌پردازان قرارداد. (کرمی، 1383: 160)

نظریه سازه‌انگاری رویکردی است که ابتدا در جامعه‌شناسی مطرح شد و از اواخر دهه 1980 و اوایل دهه 1990 به یکی از مهم‌ترین تئوری‌های روابط بین‌الملل تبدیل شد. در این نظریه که در مناظره روابط بین‌الملل که به‌زعم برخی منجر به احیای رشته بحران‌زده روابط بین‌الملل در دهه 1980 شده توجهی ویژه به عوامل معنایی از جمله هویت و فرهنگ شده است. (مشیرزاده و مسعودی، 1388: 253) از این‌رو، اهمیت نظریه سازه‌انگاری از جهت دید و نگرش تازه‌ای است که به تحولات دارد. سازه‌انگاری به تحولات و پویایی داخلی و بین‌المللی توجه میکند و قائل به ایجاد تحول در عرصه

بین‌الملل است. بر این اساس سازه‌انگاری با تأکید بر نقش و اهمیت ابعاد غیرمادی حیات اجتماعی، نقش زبان، قواعد، هنجارها، رژیمها، عرفیات و فرهنگ را در تکوین روابط بین‌الملل موردتوجه قرار میدهد. (شفیعی و رضایی، 1391: 63)

تحلیل سازه‌انگاران از سیاست خارجی در پی نفی الگوی سنتی نیست بلکه با اخذ ابزارهای تحلیل آن، به احیای روشمند نقش ایده‌ها و الگوهای ذهنی و هنجارها در تحلیل خواهد پرداخت. به‌گونه‌ای که در اینجا الگوهای ذهنی تعیین‌کننده میشوند. این مسئله از طریق قرار گرفتن مسئله هویت نظام سیاسی در مرکز تحلیل سیاست خارجی تحقق مییابد. با محور قرار گرفتن هویت است که ایده مرکزی سازه‌انگاری - مبنی بر قرار دادن ذهنیت به‌عنوان قوام‌بخش عالم تحقق مییابد و نظریه‌ها سازه‌انگاران می‌ممکن می‌شود. (متقی و کاظمی، 1386: 220 و 219)

سازه‌انگاران در پی پاسخ به این سؤال میباشند که چرا کنشگران حتی در وضعیت‌هایی که قواعد اجتماعی چه‌بسا ممکن است با منافع مادی خودشان مغایرت داشته باشند، بازهم به این قواعد وفادارند؟ (کورت و لگرو، 1390: 283) سازه‌انگاران با طرح مسئله ایده‌ها و به دنبال آن هنجارها و هویت به این نتیجه میرسند که رفتار دولت تابع آنچه فکر میکند و مناسب تشخیص میدهد، است و نه آنچه قدرت انجام آن را دارند. (عبداللهی خانی، 1383: 189) همچنین این نظریه، بر آن است تفسیری از سیاست هویت به دست دهد و راهی برای شناخت این مسئله ارائه کند که چگونه فرهنگ، تاریخ، هنجار، رویهها و ارزشهای مشترک و سایر همبستگیهای بینا ذهنی یک‌به‌یک در تفسیر سیاست جهان نقش دارند. (هویف، 1385: 475)

هنجارها یا در وهله اول هویتها را تعریف میکنند (تشکیل میدهند) یا رفتارهای هویت‌های قبلاً ایجادشده را تجویز یا ممنوع میکنند (تنظیم میکنند). (عبداللهی خانی، 1386: 71) نگاه سازه‌انگاران به هنجارها و قواعد مهم است و در زمینه تأکید بر هنجارها با نظرات لیبرالها اشتراک دارند اما تفاوت برجسته آن‌ها با لیبرالها این است که لیبرالها بر جنبه تنظیمی هنجارها تأکید دارند ولی سازه‌انگاران افزون بر جنبه تنظیمی، به جنبه تکوینی آن‌ها نیز توجه میکنند و بر این باورند که هنجارها در پی فرایندهایی مانند تعاملات پدید می‌آیند. (شفیعی و زمانیان، 1390: 127) علاوه بر آن لیبرالها به هویت و انگاره‌ها به‌عنوان متغیر حداقل وابسته و حداکثر واسطه‌ای مینگرند که در خدمت پیشینه‌سازی ارزشهای مادی است. (پوراحمدی و موسوی نیا، 1385: 41) حال آنکه در نگرش سازه‌انگاری اجتماعی بر نقش ساختارهای معرفتی و معنوی تأکید شده و آن‌ها را تا سطح یک متغیر مستقل برای تبیین رفتار خارجی دولتها بالا میبرد. (کریمی، 1383: 160)

از منظر سازه انگاران، محیط اجتماعی، زیست‌شناسی و فیزیکی که انسان‌ها در آن زندگی میکنند خالی از معناست تا اینکه انسان‌ها معنایی بر آن‌ها بار کنند. از نظر ونت انگاره‌های غیرمادی شرایط مادی را هدایت کرده و شرایط مادی زندگی اجتماعی را شکل و تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. (کلود زیچ 1390: 330) متفکران این نظریه بر ساخت اجتماعی واقعیت، شکل‌گیری و معنا یافتن همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی تأکید دارند. مهم‌ترین خصیصه متمایز سازه نگاری در قلمرو هستی‌شناختی است. سازه‌نگاری سیاست بین‌الملل را بر اساس یک هستی‌شناختی رابطه‌ای می‌بیند و به عوامل فکری مانند فرهنگ، هنجارها و انگاره‌ها بها می‌دهد. (مشیرزاده، 1384: 324) بنابراین، برای سازه انگاران تمام پدیده‌های اجتماعی از جمله گرایشهای سیاست خارجی، به‌صورت اجتماعی بر ساخته میشوند و این شامل تصمیم‌های دو کشور در مورد طرف مقابل و وضعیت روابط دو کشور نیز میشود. بررسی نظرسنجیها نشان میدهد وضعیت موجود در روابط دو کشور، بی‌ارتباط با نگرشهای جاری میان مردمان دو کشور نیست. به عبارت دیگر، تصمیمها و جهتگیریهای موجود در هر کشور با اندیشهها و برداشتهای جاری در آن جوامع مرتبط است و ناهمخوانی میان سیاست‌های دو کشور به نوعی با ارزش‌های بر ساخته شده در درون آن جامعه نیز ارتباط پیدا میکند. (سلیمی، 1388: 94)

از نظر ونت، دولتها موجودیت‌هایی هستند که میتوانیم به آن‌ها هویت و منافع را منتسب کنیم. (ونت، 1384: 325) محیط بین‌المللی که دولت‌ها در آن عمل میکنند بیش از آنکه مادی باشند، فرهنگی و نهادی است و در روند تعامل دولت‌ها ساخته شده و بازسازی میگردند. همچنین، این محیط فرهنگی و نهادی، بیشتر از آنکه بر رفتار دولت‌ها اثر بگذارد، بر تعریفی که آن‌ها از خود دارند، اثر میکند. (کریمی، 1383: 170 و 169)

بنابراین سازه‌نگاری درست برخلاف نظریه‌های خردگرا مدعی است که فرهنگ نقش مهمی در روابط بین‌الملل دارد. به همین دلیل نیز سازه انگاران یکی از دلایل ناکامی رئالیستها و لیبرالها را در تجزیه و تحلیل درست مسائل بین‌المللی، در عدم توجه به بخش فرهنگی میدانند. بر این اساس گفته میشود تأکید بیش‌ازحد خردگرایی بر ابعاد عینی روابط بین‌الملل و نادیده گرفتن ابعاد ذهنی که فرهنگ در قلب آن قرار دارد، باعث بروز مشکلات فراوانی در عرصه روابط بین‌الملل در سطح نظری و عملی شده است. از طرف دیگر، سازه انگاران به نقد دیدگاه‌های پست‌مدرن میپردازند و تلاش آن‌ها برای کاهش همه چیز به مباحث فرهنگی و گفتمانی را اقدام نادرست دیگری می‌دانند. (رضایی و ترابی، 1389: 66)

بدین ترتیب، توجه سازه انگاران از یک سو به ایده‌ها، معانی، قواعد، هنجارها و رویه‌ها و تأکید آن‌ها بر نقش عوامل فکری است که آن‌ها را در برابر مادی‌گرایی حاکم بر جریان اصلی در روابط

بین الملل قرار می‌دهد و درعین حال به دلیل پذیرش اهمیت واقعیت مادی آن‌ها را از پسا ساختارگرایان متمایز می‌سازد. (مشیرزاده، 1383: 118) لذا در یک دیدگاه بینابین، موجودیت‌های اجتماعی اگر بعد مادی هم داشته باشند یک جنبه گفتمانی نیز دارند؛ یعنی جدا از دلایل و فهم کنشگران نیستند اما درعین حال، به این معنا نیست که قابل تقلیل به فهم این کارگزاران می‌باشند و همان گونه عمل می‌کنند که آن‌ها می‌پندارند. (مشیرزاده، 1383: 116) و نت نیز در کتاب خود، نظریه سازه انگاری را نوعی "ایدئالیسم ساختاری" می‌داند. بعد ایدئالیستی آن به این معناست که معتقد است ساختارهای اجتماعی، محصول انگاره‌های مشترک انسانی است و بعد ساختاری آن به این معناست که معتقد است نهادها و قواعد مستقر (ساختارها) دارای سرشتی عینی و محدودکننده برای بازیگران هستند. (ونت، 1384: 9-80) سازه انگاران امیدوارند با وارد کردن ساختارها، بازیگران، هویت‌ها، منافع و اندیشه‌ها در عرصه بازی بتوانند تغییرات مهم ایجاد شده در الگوهای رفتاری را تشریح نمایند، حتی زمانی که توزیع قدرت همچنان دست نخورده و بدون تغییر مانده باشد.

سازه انگاران بر این باور که پدیده‌ها ساخته می‌شوند، بنابراین، در اینجا، فرهنگ بسیار مهم تر از طبیعت است. درحالی که برای واقع گرایان فرهنگ و هویت در بهترین حالت محصول توزیع توانمندی‌هاست و هیچ قدرت تبیینی مستقلی ندارد و کنشگران فرهنگ و هویت را به مانند هر منبع دیگری صرفاً برای پیشبرد منافع شخصی خودشان در جایگاه استراتژیک قرار می‌دهند، (معینی و راسخی، 1389: 189) برای سازه انگاران سازه‌های تمدنی، عوامل فرهنگی و هویت‌های دولتی با اینکه چگونه به منافع دولت‌ها شکل می‌دهند مهم اند. این عوامل نوعی جهان بینی ایجاد کرده و بر الگوهای تعامل بین المللی اثر می‌گذارند. به عنوان نمونه هر چه احساس بیگانگی دولتها نسبت به هم بیشتر باشد، بیشتر به سمت رویه‌های امنیت جمعی اشتیاق نشان میدهند و در نتیجه همکاری میان آن‌ها تقویت میشود و بالعکس، هر چه از هم احساس دوری بیشتری داشته باشند، روابطشان مبتنی بر خودمحوری بیشتری خواهد بود. (مشیرزاده، 1384: 333 و 332) فرهنگ به عنوان بخش مهمی از تعاملات میان کنشگران از یک سو می تواند با ایجاد هویتها و نقشهای غیر خصمانه و دوستانه منجر به صلح و گسترش همکاریهای بین کنشگران در عرصه بین الملل شود.

تعریف تمدن نوین اسلامی

تمدن از جمله مفاهیمی است که به دلیل غامض بودن، تعاریف متعددی از آن ارائه شده است؛ برخی تمدن را با علم و فناوری یکی انگاشته اند، برخی آن را محدود به قدرت سیاسی کرده اند. برخی مانند تیلور، تمدن را به عناصر و مؤلفه‌های تمدنی مثل هنر، اخلاق، آداب و رسوم تعریف کرده اند و برخی

مانند آلفرد وبر به ویژگی‌های تمدنی توجه داشتند و کسانی مانند هومبولت در تعریفشان از تمدن به قلمرو آن اشاره کرده‌اند؛ بنابراین، در تعریف تمدن اختلاف رویکرد وجود دارد. (جهان‌بین، 29-1393: 46) تمدن از واژه لاتین (civitas) معادل کلمه (poleis) یونان قدیم است. یونانیان باستان با استفاده از کلمه تمدن نشان دادند که شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانند که سازنده شکلی برتر از زندگی است. با توجه به این نکته، تمدن معانی مختلفی داد ولی اصلی‌ترین معنای آن شهرنشین شدن و اقامت در شهر است و بر همین اساس، این کلمه معادل شهر آیینی و به معنای حسن معاشرت است. (جان احمدی، 1386: 24).

تمدن‌ها بر اساس نوع تکوین، اشکال مختلفی دارند و هر یک دارای ویژگی‌هایی هستند که می‌توان به وسیله آن تمدن‌ها را از یکدیگر بازشناخت و تقسیم‌بندی نمود. تمدن اسلامی از نوع تمدن‌های یکجانشین مبتنی بر حیان دینی و ایدئولوژی درون دینی است. از این‌رو تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که پایه و اساس آن بر محور دین اسلام پایه‌ریزی شده است؛ همان‌طوری که مدینه النبی بر اساس همین ارکان و مؤلفه‌ها شکل گرفت (تقی نیا، صوفی، رستمی، 3-1393: 20). تمدن اسلام به عنوان نمونه کاملی از تمدن دینی شاخصه‌هایی دارد که آن را از دیگر تمدن‌ها متمایز می‌کند. این شاخصه‌ها منبعت از قرآن و سنت بوده و از این جهت می‌تواند پاسخگوی پرسش‌های فراروی بشر باشد و الگو و نمونه‌ای برای سایرین محسوب شود. عمده‌ترین شاخص‌های تمدن اسلامی عبارت‌اند از: خدامحوری و الهی بودن، عدالت‌گستری، اخلاق‌مداری، مدارا، تعقل و اندیشه ورزی. (تقی نیا، صوفی، رستمی، 3-1393: 20).

در جمع‌بندی تعریف تمدن می‌توان آن را حاصل امتداد فرهنگ و پذیرش نظم اجتماعی دانست که در آن از مرحله بادیه‌نشینی خارج و در شاهراه نهادینه شدن امور اجتماعی و مدنیت گام گذاشته می‌شود. بر این اساس، تمدن حاصل عینیت یافتگی و امتداد مبانی شناختی هنجاری است که در آن به سؤالات بنیادین هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی پاسخ داده می‌شود و بر آن اساس، ارزش‌ها و نیز هنجارها که نسبت به ارزش‌ها انضمامی‌تر است، تعیین می‌گردد. در گام بعدی مبتنی بر مبانی هنجارهای شناختی، نظام‌های نظری - عملی تولید می‌گردد و بر آن اساس، نهادها شکل می‌گیرند و نهادها متکفل بازتولید نظام‌های نظری عملی‌اند. تفاوت‌های تمدن از همین‌جا نشأت می‌گیرند و به عبارتی مدل‌های نظری عملی گوناگون، تمدن‌های مختلف را شکل می‌دهند. به عبارت ملموس‌تر، تمدن‌ها اشکال انضمامی شده مدل‌های نظری‌اند که انتزاعی هستند. (جهان‌بین، 29-1393: 46)

یافته‌های پژوهش:

پیش‌نیازهای شکوفایی تمدن نوین اسلامی

برای نقش‌آفرینی تمدن نوین اسلامی در نظام تصمیم‌گیری جهانی شایسته است مواردی از قبیل هنجار سازی، تعمیم ارزش‌های مشترک عینی و آرمانی مطلوب در فرهنگ جهانی، تکیه بر قدرت معنوی و تقویت معنویت‌گرایی و معناگرایی، پیوند دین و سیاست، احیای هویت تمدنی و نقش‌آفرینی اندیشه اسلامی در عرصه گفتمان سازی و نظریه‌پردازی، نفی انگیزه‌های قومی و نژادی و پرهیز از دامن زدن به اختلافات مذهبی و فرقه‌های و تبیین جهان‌شمولی اسلام در همه ساحات زندگی بشر موردعنایت قرار گیرد لیکن در این مبحث تلاش می‌شود که پیش‌نیازهای اجرایی بالندگی تمدن نوین اسلامی شامل: توسعه عدالت محور، آموزش، همگرایی اعتدال محور و اهتمام به فضای مجازی مورد تأکید قرار گیرد:

الف: توسعه عدالت محور:

عدالت به معنای قرار دادن هر چیزی در جای خود ارزشی مطلق اما طریقی است. اصول عدالت قواعدی عینی، مطلق، عام و فراگیر هستند و دریچه حقیقتی ماورایی را عرضه می‌دارند که معیار درستی و نادرستی طرز رفتار آدمیان است؛ بنابراین عدالت دارای ارزش ذاتی است و حقیقت نفس الامری به شمار می‌آید اما طریقت دارد چون از این طریق است که فضیلت‌های انسانی شکوفا می‌شود و جامعه مسیر خیر و صلاح را می‌پیماید. درواقع، عدالت برمدار اصول و مفاهیم فطری استوار است زیرا که مفهوم مشترک انسانی است و ناشی از امور ثابتی است که در سرشت انسان به ودیعت نهاده شده است. ازاین‌رو، تمدن نوین اسلامی اساس توسعه را بر عدالت اجتماعی و نفی تبعیض نژادی یا قومی و ریشه‌کنی فقر برای برساختن آینده‌ای امت محور قرار داده است.

در صورت توسعه عدالت محور است که تمدن نوین اسلامی قادر است آینده‌ای را رقم زند که مفاهیم خطی پیشرفت را با مفاهیم دوری توسعه در بستر زمان همبسته و هم پیوند سازد و رشد اقتصادی را با توزیع اقتصادی، تعالی معنوی و توسعه سیاسی همگون و سازگار گرداند. توجه به حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان و تقویت جامعه مدنی برای پاسخ دیالکتیکی آن به نقش‌آفرینی اسلام سیاسی و رعایت کرامت انسانی و ارتقای معنویت آگاهی و درنهایت رعایت اعتدال و توازن در جامعه یعنی دوری از افراط و تفریط ازجمله پیامدهای توسعه عدالت محور است که موجب برقراری نوعی موازنه صحیح در مناسبات اجتماعی بر اساس شایسته‌سالاری و فضیلت‌مداری می‌شود. (Enayat, 1982:29)

نقش آموزش در بالندگی تمدن نوین اسلامی انکارناپذیر بوده است زیرا عمق پیام واقعی اسلام با علمآموزی عجین بوده است. آموزش مناسب می‌تواند زمینه جامعه‌پذیری مطلوب را بر اساس اخلاقیات و اندیشه خلاق، سازنده و انتقادی، پیوند اخلاق و مذهب در نظام آموزشی و تقدیم تربیت بر تعلیم به‌گونه‌ای فراهم سازد که امت اسلامی بتواند آگاهانه جایگاه خود را بازبیاورد. آموزش را می‌تواند یکی از راهکارهای انتقال هنجارها و ارزش‌های منحصر به فرد فرهنگی و شناساندن فرهنگ و تمدن اسلامی به جامعه بین‌المللی دانست، به‌گونه‌ای که بر برداشت‌ها، ادراکات، افکار، انگاره‌ها، ایده‌آل‌ها، ارزش‌ها، ایستارها و باورهای دیگر تمدن‌ها تأثیر مثبت گذارد. با توجه به پیشینه و پیشگامی تمدن اسلامی در یادگیری و تحقیق و درنوردیدن مرزهای دانش، نقش آموزش را می‌تواند در رشد درخشان و سریع تمدن اسلامی برجسته دانست. به‌ویژه آنکه از مسجد تا بیمارستان و از رصدخانه تا مدرسه همواره مکانی برای یادگیری مسلمانان بوده است. در این رهگذر، پیوند نظام آموزشی مدرن و سنتی در کشورهای اسلامی می‌تواند تمام ظرفیت آموزشی جهان اسلام را به منصف ظهور برساند. توجه به دانشگاه تمدن ساز به‌عنوان نهاد فرهنگی علاوه بر نهادی آموزشی و پژوهشی، می‌تواند زمینه تربیت نسل جدیدی از شهروندان مسلمان و مسئولیت‌پذیر را فراهم آورد که ضمن دین آگاهی خواستار احیای عقل بر اساس حکمت یا حقیقت و با الهام از وحی الهی هستند.

در این رهگذر، شایسته است تمدن غربی مساهمت و مشارکت پیشین تمدن اسلامی را در عرصه‌های علمی و آموزشی به رسمیت بشناسد. همان‌گونه که مقتضی است تمدن نوین اسلامی با اتکا به آموزه‌های دینی و علمی و دانش فنی و تخصصی، قابلیت خود را در برقراری پیوند میان گذشته، حال و آینده به منصف ظهور رساند. بدین معنا که از گذشته تاریخی برای رقم زدن آینده‌ای روشن استفاده کند. تمدن نوین اسلامی با توجه به نظام آموزشی هم پیوند بین مراکز علمی مدرن و سنتی و روش‌های تدریس ابتکاری موجود در هرکدام و با عنایت به ماهیت جهان‌شمول خود می‌تواند بقیه جهان را تحت تأثیر قرار دهد. همان‌گونه که با دیگر تمدن‌ها به تعامل علمی و آموزشی بپردازد. در این صورت است که نخبگان مسلمان می‌توانند به تصویرسازی مناسب از تمدن نوین اسلامی همت گمارند و با اتکا به دیپلماسی علمی و دانشگاهی موجبات ارتقای قدرت نرم جهان اسلام را فراهم آورند.

رویکرد اعتدالی تمدن نوین اسلامی را می‌توان به معنای رعایت توازن و پرهیز از افراط و تفریط در

ساختارها دانست. از آنجاکه قرآن کریم ویژگی امت اسلامی را امت وسط می‌داند (سوره بقره، آیه 143) و از راه راست به عنوان راه میانه یاد کرده است (سوره قصص، آیه 22) و پیامبر اکرم (ص) نیز سیره خود را بر میانه روی و اعتدال در امور قرار داده‌اند، مشی اعتدالی از رهگذر تلاش برای یافتن یک راه حل اصولی و منطقی و اقدام سنجیده با تدبیر و تفکر و بهره‌گیری از قدرت منطق و استدلال به عنوان منبع عظیم قدرت نرم می‌تواند موجب ایجاد روابط جدیدی بر پایه فرهنگ توسعه و توسعه فرهنگی و تولید ایده‌ها و گفتمان‌های جدید فرهنگی برای تنظیم قواعد و هنجارهای بین‌المللی شود. تأکید بر هم‌افزایی و هم‌تکمیلی فرهنگ‌ها و اهتمام به مشترکات فرهنگی در عین احترام به تنوع فرهنگی می‌تواند فرهنگ اعتدال و صلح را در سطح بین‌المللی نهادینه سازد و زمینه تقویت فرهنگ تقریب بین مذاهب اسلامی را همزمان با تقارب با دیگر ادیان الهی فراهم آورد. در این رهگذر، ترویج شیوه تعامل با دیگران بر اساس نفی افراطی‌گری و مقابله با جریان‌های ارباب و ارباب و تکفیر و مبارزه با گرایش‌های فکری افراطی، تندرو و تروریستی می‌تواند چهره‌های متعادل را از تمدن نوین اسلامی عرضه دارد و نقش مؤثری را در ذهنیت‌سازی ایجابی نزد افکار عمومی بین‌المللی ایفا نماید.

اعتدال محوری با تکیه بر منافع مشترک و متقابل و نهادینه‌سازی همکاری‌های درون تمدنی و تقویت گفتگوی مسلمانان با یکدیگر موجب تقویت همگرایی جهان اسلام بر اساس بازیابی اصول مورد توافق می‌شود و زمینه انسجام و یکپارچگی تمدنی را فراهم می‌آورد. همگرایی اعتدال محور در تمدن نوین اسلامی موجب گسترش همبستگی میان مذاهب اسلامی با یکدیگر و از بین بردن خصومت و تعصبات فرقه‌های میان پیروان مذاهب اسلامی می‌شود.

د: اهتمام به فضای مجازی:

در دنیای کنونی با توجه به درهم تنیدگی نظام اطلاعاتی و ارتباطاتی در عصر جهانی‌شدن، انسان‌ها در اثر فناوری ارتباطات این امکان را به دست آورده‌اند که بدون واسطه با یکدیگر سخن‌گویند، ارتباط برقرار کنند، از افکار و دیدگاه‌های هم مطلع شوند و بر یکدیگر تأثیرگذارند. همین قدرت جادویی رسانه‌های نوین است که آن‌ها را به سلاح مؤثر فرهنگی بدل کرده است. تمدن نوین اسلامی قابلیت آن را دارد که با بهره‌گیری از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به تبیین ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی در جامعه بین‌المللی مبادرت کند. ارتباط معنادار تمدن نوین اسلامی با مخاطبان و نفوذ معنوی و فکری در آنان به گونه‌ای که اقناع عقول و جذب مخاطبان را در پی داشته باشد، موجبات شکل‌گیری شهروندان شبکه‌ای (Netizens) را در دنیای جهانی‌شده فراهم می‌آورد. در این رهگذر، مخاطب پژوهی در فضای مجازی به عنوان فرآیندی ارتباطی با عنایت به منابع و نیازهای مختلف درون تمدنی و توجه به

ارائه اسلام به‌عنوان مدلی آلترناتیو که بر رحمانیت، تکثر پذیری، اجتماع‌محوری و قدرت نرم استوار است، می‌تواند دو فضای واقعی و مجازی را به یکدیگر پیوند دهد و بذرهایی جامعه کیهانی را در پهنه گیتی بگستراند. این مهم نیازمند اهتمام به کثرت ارتباطات و مبادلات و افزایش تحرک و مشارکت در فضای مجازی با تکیه بر اشاعه باورهای وحیانی و ارزش‌های اخلاقی و با بهره‌گیری از روش‌ها و مهارت‌های ارتباطی خلاق و سازنده با مخاطبان است. تمدن اسلامی می‌تواند با عملیات نرم‌افزاری به‌ویژه بهره‌گیری از فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای و ابزارهای نوین رسانه‌ای به افکار عمومی بین‌المللی جهت دهد و با ترویج اسلام معتدل و عقلانی و تمدن ساز به سازمان‌دهی ادراک نخبگان سیاسی و گروه‌های اجتماعی بین‌المللی بپردازد. در عین آنکه با انگاره سازی تهاجمی علیه استکبار جهانی به سوق دادن فضای اطلاعاتی در جهت اقناع افکار عمومی جهانی بپردازد. چنین رویکردی موجب تغییر ذهنیت‌ها و اندیشه‌ها و تصویرسازی مثبت، انتقال مؤثر پیام، مدیریت زمان در فرآیند مخاطب پژوهی و فتح فضاهای آینده با توجه به ارتباطات مدرن و فناوری‌های نوین ارتباطی می‌شود. نقش بی‌بدیل فناوری‌های نوین در شبکه‌سازی اجتماعی و فرهنگی و انتقال پیام تمدن نوین اسلامی و نمایاندن دستاوردهای علمی، اندیشگی، اجتماعی و سیاسی آن به نخبگان جهان در فراسوی مرزهای بین‌المللی فرصتی است که بهره‌گیری از آن موجب تقویت ظرفیت تمدن نوین اسلامی در دنیای مجازی می‌شود.

یافته‌های پژوهش

فرصت‌های شکوفایی تمدن نوین اسلامی

تمدن اسلامی پس از قرون متمادی درخشش در عرصه جهانی، روندی نزولی را طی نمود، درحالی‌که جهان غرب پس از انقلاب صنعتی و پیشرفت‌های فزاینده و ایجاد و بهره‌برداری از ابزارهای مختلف، قدم‌های بزرگی در راه آسایش و رفاه زندگی مادی انسان‌ها برداشت. ضعف‌های داخلی حکومت‌های اسلامی و خودکم‌بینی مفرط ملت‌های مسلمان در رویارویی با پیشرفت‌های غرب، باعث گردید عده‌ای از غرب‌زدگان راه پیشرفت را در پیروی از این تمدن جدید بدانند. با این وصف، علی‌رغم تمام پیشرفت‌های صورت گرفته در ایجاد آسایش مادی، امروزه بشر نتوانسته به آرامش واقعی که همانا آرامش روحی و روانی است دست یابد. علی‌رغم تمام پیشرفت‌های صورت گرفته در ایجاد آسایش مادی، امروزه بشر نتوانسته به آرامش واقعی که همانا آرامش روحی و روانی است دست یابد.

1. تمدن سازي نوين اسلامي به مثابه پیشرفت همه جانبه

در جهت ایجاد و شکوفایی تمدن نوین اسلامی، ضروری است که به طور همزمان هر دو جنبه ابزاری و حقیقی تمدن مورد توجه قرار گیرد. جنبه ابزاری آن گروه از ارزش‌هایی است که در نظر اغلب افراد شاخصه‌های پیشرفت محسوب می‌گردد، مواردی نظیر علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ. جنبه حقیقی تمدن، شاکله‌های اصلی زندگی یا همان سبک زندگی است که از مواردی همچون مسئله‌ای خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله‌ای خط و زبان، مسئله‌ای کسب و کار و رفتارهای فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان‌ها تشکیل می‌شود. در تمدن سازي نوین اسلامي، علاوه بر تلاش در عرصه پیشرفت در جنبه ابزاری، اهتمام اصلی در جنبه حقیقی تمدن که همانا سبک زندگی انسان است باید صورت گیرد.

2. عوامل و زمینه‌های شکوفایی تمدن نوین اسلامي

تمدن نوین اسلامي بر پایه ارائه سبک زندگی اسلامي شکل می‌گیرد. برجسته‌ترین عواملی که از نظر نگارنده این سطور عمل به آن‌ها بسترساز شکوفایی تمدن نوین اسلامي می‌گردد عبارت‌اند از:

1-2. خودباوری و باور به موفقیت: آنچه باعث می‌گردد هر فعالیتی به سرانجام مطلوب خود برسد داشتن خودباوری و باور به موفقیت است. این باور در ذات خود نیرویی به انسان می‌دهد که تلاش او را چندین برابر می‌نماید. برای انجام هر کار، باید اول باور پیدا کنیم که این کار، می‌تواند انجام شود. اعتقاد داشتن به این که کاری می‌تواند انجام پذیرد، ذهن را برای یافتن راه انجام آن به حرکت وا می‌دارد. وقتی به کاری باور داشته باشید، فکرتان راه‌های انجام آن را پیدا می‌کند. این آزمایش، تنها یک نتیجه دارد و آن این که وقتی بپذیرید که چیزی ناممکن است، فکرتان در پی دلایلی می‌گردد که این مطلب را اثبات کند؛ ولی وقتی باور حقیقی داشته باشید که کاری شدنی است، فکرتان راه‌های انجام آن را می‌یابد. باور داشتن به امکان تحقق مسائل، در حقیقت، جاده را برای راه‌حل‌های خلاق، هموار می‌سازد؛ درحالی که باور داشتن به عدم تحقق آن‌ها، تفکری ویرانگر است. باور به اینکه می‌توان تمدن نوینی در جهان اسلام ایجاد نمود مسیر حرکت را روشن و هموار خواهد نمود.

2-2. عمل به تعالیم قرآن: در فرهنگ اسلامی، قرآن کریم به عنوان تبیین کننده همه نیازهای آدمی در رأس منابع دینی قرار دارد. سرگذشت تمدن های پیشین و مطالعه تاریخ آنان به خوبی ضرورت عمل به تعالیم قرآن را بر ما آشکار خواهد نمود. بشر برای رسیدن به کمال نیازمند برنامه ای جامع و کامل است که بتواند با اعتماد و تکیه بر آن در مسیر نیل به کمال حرکت کند. خداوند متعال می فرماید: «وَنَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْكِتَابَ تِبْیَانًا لِّكُلِّ شَیْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِینَ» «و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است». (نحل: 89) بر این اساس، برای ساختن تمدن نوین اسلامی می بایست سبک زندگی اسلامی را با بهره گیری و عمل به مفاهیم قرآنی طرح ریزی نمود. توجه به مفاهیم قرآنی در عرصه های مختلف زندگی و به کار بردن آنها می تواند راهگشای بشر در برون رفت از بیراهه های باشد که تمدن مادی غرب پیش روی انسان ها قرار داده است. این کتاب آسمانی به اصول اخلاقی فردی و اجتماعی انسان نیز اشارت دارد؛ از این حیث ضرورت دارد که انسان با قرآن مأنوس باشد. دوری از معنویات باعث گردیده است که علی رغم همه پیشرفت های علمی و صنعتی، عدم دستیابی به آرامش، جامعه غرب را در پی معنویات بکشاند. این نکته از روند رو به گسترش روی آوردن به اسلام در این جوامع به خوبی آشکار است.

2-3. اهتمام در به کارگیری عقلانیت اسلامی: از منظر اسلام عقلانیت ناظر به قوه عاقله درون انسان است که به کارگیری آن، یعنی تعقل، انسان را به سوی خدا سوق می دهد و بندگی او را به ارمغان می آورد؛ بنابراین عقلانیت اسلامی بدین معنی است که انسان با بهره مندی از قوه عاقله در جهت گرایش های عالی انسانی و الهی تعقل می کند و حیات فردی و اجتماعی خود را به سوی خدا و بندگی او سوق می دهد. «درواقع تمدن اسلامی بدون عمومی شدن عقلانیت اسلامی به وجود نمی آید، لذا امروز وظیفه دانشمندان و روشنفکران مسلمان است که از یک سو در عقلانیت اسلامی به کاوش بپردازند و با اتکا به معارف فقهی و اصولی و همچنین با استفاده از دستاوردهای علمای اسلام در فلسفه، عرفان و حدیث و ... و معارفی که امروز بشر بدان ها نائل شده، ماهیت عقلانی اسلام را کشف و اجزا و ارکان آن را دریابند و از سوی دیگر این معرفت را در حد مبانی و اصول که در عمل قابل کاربرد باشد برای عموم تشریح کنند.» (لاریجانی، 1370: 23). از این رو در دوران معاصر با توجه به سیطره تمدن غربی بر دنیا می بایست پیش قراولان عقلانیت اسلامی به دنبال شناخت و ارائه ساختارهای نوین تمدن اسلامی و تلاش در جهت مقبولیت عمومی آن باشند. (همان، لاریجانی، ص 17)

2-4. اجرای صحیح تعالیم مکتب اسلام در گستره عقل معاش (سبک زندگی اسلامی): در تمدن سازی جدید اسلامی، هدف اصلی اجرای صحیح تعالیم مکتب اسلام است. به کار بستن بی کم و کاست تعالیم اسلام باعث آن

خواهد شد که از رویگردانی از اسلام به بهانه‌های مختلف جلوگیری گردد. اسلام هراسی که امروزه به شدت از سوی بنگاه‌های تبلیغاتی غرب ترویج می‌گردد ناشی از برخی کج‌فهمی‌ها و کج روی‌ها در عمل به تعالیم اسلام است. در گستره زندگی فردی و اجتماعی انسان، از اصطلاح عقل معاش نام برده شده است. عقل معاش را می‌توان در مفهوم جامع خود مترادف سبک زندگی دانست، زیرا ناظر به مهم‌ترین محورهای سبک زندگی است، عقل معاش به تعبیری همان عقل زندگی، عقل اقتصادی و عقل اجتماعی است که به فردی که در جامعه زندگی می‌کند و به نوعی درگیر مسائل اقتصادی و اجتماعی است توانایی فعالیت مؤثر را می‌دهد. عقل معاش با شاخص‌هایی مانند الگوی مصرف، کار و تولید، شیوه گذران اوقات فراغت، آداب معاشرت، الگوهای زندگی خانوادگی، بهداشت، سلامت و بسیاری از مسائلی که در متن زندگی ما مطرح است ارتباط دارد. در این عرصه با توجه به تأکیدات پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله علیه و آله وسلم) می‌توان موارد زیر را مورد اشاره قرار داد:

4.1.2. انضباط کاری: انسان در حوزه کاری خودش باید از انضباط و وجدان کاری برخوردار باشد و هر کاری را با استحکام و درستی انجام دهد. از آثار و نتایج نظم و انضباط، محکم‌کاری است. کسی که منظم و منضبط است، کارهایش را به گونه‌ای انجام می‌دهد که استوار و پایدار باشد. چنین کسی، از سستی و سهل‌انگاری در کار بیزار است. رسول اکرم (صلی‌الله علیه و آله وسلم) می‌فرماید: «ان الله تعالى يحب اذا عمل احدكم عملا ان يتقنه» (کنز العمال، هندی، ج 3، ص 907) «به درستی که خداوند دوست دارد وقتی یکی از شما کاری را انجام می‌دهد، آن را محکم و استوار کند.»

4.2.2. تناسب نوع کار با استعداد آدمی: استعداد فرد با نوع کاری که دارد باید تناسب داشته باشد. از پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله وسلم) نقل شده است: «اعملوا فكلکم ميسر» (بحار الأنوار، مجلسی، ج 4، ص 282) همه شما کارکنید، اما متوجه باشید که هر کس برای کاری آفریده شده است که آن کار را بهتر و با سهولت انجام می‌دهد.

4.3.2. پرهیز از بطالت و بیکاری: پیامبر به شدت از تنبلی و بی‌کاری متنفر بودند و می‌فرمودند: «اللهمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ» (من لا يحضره الفقيه، ابن بابویه، ج 1، ص 335) «خدایا از غم و اندوه و ناتوانی و تنبلی به تو پناه می‌برم.» باور ما این است که تنبل در رسیدن به آرزوها ناکام می‌شود، کاهلی به نوعی مردن پیش از وقت است، آفات مانع دلسردی، ملولی و تباهی و نیازمندی را به دنبال دارد. اندیشه یک انسان بیکار کارگاه شیطان می‌شود. در نزد خدا انسانی که اساس زندگی را بر بیکاری می‌گذراند، جایگاهی ندارد. پیامبر (صلی‌الله علیه و آله وسلم) می‌فرماید: «خدا جوان بیکار کاهل را دوست ندارد.» (جامع

السعادات، نراقی، ج 1، ص 152.) در جامع الاخبار آمده است: روزی پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله وسلم) یکی از یاران خود را دید و سؤالاتی کرد و جواب داد و پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله وسلم) گفتند: شغل چیست؟ گفت بیکارم حضرت فرمودند: «سقط عن عینی» از چشم افتادی. (جامع الاخبار، شعیری، ص 390) لذا انسان در کار و تولید باید نقش مؤثری را ایفا کند و نقش‌آفرینی مؤثر یک فرد می‌تواند عقل معاشش را سامان دهد.

2-5. پرهیز از تقلید: لازمه ساختن تمدن نوین اسلامی پرهیز از تقلید از تمدن‌های غربی است. در دوره‌ای فردی مثل تقی زاده که در بین چهره‌های روشنفکر غرب‌گرا، از شهرت خاصی برخوردار است، نه تنها شعار «از ناخن پا تا موی سر باید غربی شد» را سرداد، بلکه به تعبیر خود اولین بمب تقلید از غرب را در ایران منفجر کرد. (تقی زاده، علوی، 1385: 23) در نهایت به این آموزه‌ها نیز عمل نمود و تلاش فراوانی در همسان‌سازی اعمال و رفتار مردمان با شیوه‌های تمدنی غرب صورت داد اما نتیجه‌ای جز تعارضات اجتماعی را در بر نداشت. تقلید کورکورانه و تناسب نداشتن فرهنگ و تمدن غربی با فرهنگ اسلامی جاری در ایران موجب ازهم‌گسیختگی اجتماعی شد. تهاجم فرهنگی یکی از مظاهر تلاش برای تحمیل سبک و سلوک زندگی غربی به سایر ملت‌هاست. (تقی زاده، علوی، 1385: 24)

2-5. اتکا به نیروی جوان: جامعه‌ای که در پی ساختن تمدن نوین اسلامی است ضرورت دارد در جهت رسیدن به این هدف متکی به خود باشد و خودباوری را در جامعه رواج دهد. نیروی جوان، سرمایه‌ای بس گران‌بها برای هر جامعه‌ای است. تمدن‌سازی نوین دارای مشکلات و دشواری‌هایی است که صبر و استقامت و پشتکاری می‌طلبد که جز با توسل به نیروهای تازه‌نفس و جوان امکان‌پذیر نخواهد بود. رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله وسلم) در حدیثی می‌فرماید: «اَوْسِعُوا لِلشَّيْبَانِ فِي الْمَجَالِسِ وَ اَفْهَمُوهُمْ الْحَدِيثَ فَالزَّهْمُ الْخُلُوفُ وَ اَهْلُ الْحَدِيثِ» برای جوانان در مجالس جای باز کنید و امور نو و جدید را به آنان تفهیم کنید، چراکه این گروه جایگزین شما و درگیر مسائل جدید خواهند شد. (دیلمی، شیرویه: 1998، 98)

یکی دیگر از شاخصه‌های نیروی جوان تیزفهمی اوست. حضرت علی (ع) خطاب به یکی از کارگزارانش می‌فرماید: هرگاه کاری برای پیش آمد و نیاز به مشورت پیدا کردی، در آغاز آن را با جوانان، در میان گذار؛ زیرا آن‌ها تیزفهم‌تر و با فراست‌ترند سپس آن را در معرض نظر سالخوردگان و پیران قرار ده تا در معرض ارزیابی قرار دهند، چه آنکه تجربه ایشان بیشتر است. (ابن ابی الحدید، 1387 حکمت 866).

2-7. استفاده از مسجد به عنوان پایگاه مقبول اجتماعی: اگرچه مساجد معمولاً به عنوان مکان‌های مقدس و کانون‌های عبادت و انجام اعمال و مراسم مذهبی در نظر گرفته می‌شوند، اما از کارکردهای مهم آموزشی و فرهنگی آن در طول تاریخ نمی‌توان چشم‌پوشی نمود. کارکردهایی که امروزه نیز می‌بایست موردتوجه قرار گیرد. تا قبل از تشکیل مدارس به‌طور رسمی، مساجد نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشرفت علمی و آموزشی بلاد اسلامی به عهده داشته‌اند چراکه محتوای علمی که در دوران ابتدایی ظهور اسلام نشر داده می‌شد در ارتباط با مسائل مذهبی و دینی و معارف مرتبط با قرآن بوده است. بر طبق منابع و متون تاریخی، نخستین مراکز تعلیم و تربیت در اسلام، مسجد و محور این آموزش و پرورش قرآن کریم بوده است. به در ابتدا حوزه‌ها و حلقه‌های درس در مساجد تشکیل می‌شد، احیاناً مجالس مناظره نیز در همان مساجد بود که پاره‌ای از آن‌ها کتابخانه‌های عظیم نیز داشتند. (همای، 1368:3)

برای ایجاد، گسترش و همگانی نمودن تمدن نوین اسلامی در جوامع اسلامی لازم است به این پایگاه مهم دینی اجتماعی توجه کافی مبذول گردد. حسنین هیکل در این باره می‌نویسد: در کشورهای اسلامی نهادی به چشم می‌خورد که قدرت، قادر به دسترسی بدان نمی‌باشد و آن نهاد مسجد است. با این نهاد نمی‌توان مذاکرات پنهانی داشت و یا به آن رشوه داد، زیرا انجام چنین عملی به مثابه توهین به عمیق‌ترین و گرامی‌ترین اعتقادات مردم است. مسجد برای اجتماع مردم مکانی فراهم آورد که حتی از دسترس مؤثرترین پلیس مخفی به دور است. مردم به قیمت جان‌شان از مسجد دفاع می‌کنند. (هیکل، 1368:236) بنا براین امروزه مساجد هرچند که به عنوان نهادهای سنتی در جامعه قلمداد می‌شوند، اما با ارائه کارکردهای مثبت و متناسب با نیاز روز جامعه می‌توانند هم‌سطح با رسانه‌های مدرن و چه بسا پیشروتر ظاهر شوند چراکه به واسطه ارتباطات مستقیم میان ارتباط گران و مخاطبان، روابط چهره به چهره و دریافت بازخوردهای فوری و تأثیرات عاطفی و احساسی می‌توانند به عنوان نقطه اتکا و مرکز ثقل سازمان جامعه به ایفای نقش پردازند و بنیان‌های اساسی یک تمدن نوین اسلامی را پایه‌ریزی کنند.

بنابراین با تمرکز بر جنبه‌های ابزاری و حقیقی تمدن نوین اسلامی آن به این نتیجه دست می‌یابیم که آنچه به عنوان بخش اصلی و حقیقی تمدن که زیربنا و محرک اساسی جنبه ابزاری تمدن نیز می‌باشد همانا اهتمام به سبک زندگی است. آنچه تمدن غرب باوجود تمام پیشرفت‌های خود، نتوانست به آن دست یابد عدم اعطای آرامش معنوی و روحی به انسان به واسطه عدم توجه به جنبه‌های حقیقی تمدن و رعایت اصول و مبانی الهی در سبک زندگی انسان و دوری از اخلاق و معنویات است. ازاین‌رو در جهت شکوفایی و گسترش تمدن نوین اسلامی می‌بایست عوامل و زمینه‌های زیر در ارائه سبک زندگی اسلامی و ایجاد تمدن نوین موردتوجه قرار گیرد: نیاز به ایمان، عمل به تعالیم قرآن، اهتمام در به‌کارگیری عقلانیت اسلامی، اجرای صحیح تعالیم مکتب اسلام، پرهیز از تقلید، خودباوری و اتکا به نیروی جوان و استفاده

آسیب شناسی، چالش ها و موانع تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی بر آن است که با بهره گیری از دستاوردهای مفید تمدن مادی غرب، به ایجاد تمدنی نوین بپردازد که بتواند تمامی جنبه های تمدنی را دربرداشته باشد. برای حرکت تمدن نوین اسلامی در مسیر صحیح، آسیب های نظیر عدم پیروی از رهبری واحد، چالش هایی مانند فرهنگ مهاجم غربی و اختلاف افکنی در میان مسلمانان و موانعی چون مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان و عدم توجه به عقلانیت دینی وجود دارد. توجه به نقش رهبران دینی، فکری، فرهنگی و گروه های مرجع و نخبگان در هدایت مردم راهکار اصلی فرهنگ سازی در جامعه و مقابله عملی با مشکلات و موانع است. تمدن نوین اسلامی که جوانه های شکوفایی آن با انقلاب اسلامی ایران پدیدار گردید، در سال های اخیر با بروز جنبش ها و قیام های مردمی در میان ملت های مسلمان جهان که با نام بیداری اسلامی شناخته شده است روندی رو به رشد به خود گرفته است. با الگوبرداری از انقلاب اسلامی ایران و مشاهده پیشرفت های شگرفی که با اتخاذ نگرشی نوین در فرایند تمدنی جهان صورت گرفته است، جرقه های بازیابی شوکت و عظمت گذشته تمدن اسلامی زده شده است. با توجه به عدم اقناع فکری و فرهنگی بشر از طریق پیروی و بهره گیری از تمدن های موجود و رویکرد و اقبال گسترده و روزافزون جوامع بشری به اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی که موجبات نگرانی دولت های غربی را نیز فراهم نموده است، لزوم هوشیاری و توجه دقیق در مسئله ایجاد، پرورش و گسترش تمدن نوین اسلامی بیش از پیش نمایان است.

1. تعریف آسیب، چالش و مانع:

اگر بخواهیم به اختصار تعریفی از این سه واژه و تفاوت آن ها بیان کنیم می توان چنین گفت که آسیب اجتماعی هر نوع رفتاری است که با ارزش های شناخته شده جامعه در تعارض باشد و باعث اختلال در کارکرد فرد، خانواده یا جامعه بشود. درواقع آسیب مسئله ای درونی است که از درون تمدن ریشه گرفته و مرتبط با شیوه رفتار مردمان است. از سوی دیگر چالش به مشکلات بزرگ و بغرنجی گفته می شود که در مسیر یک جریان یا حرکت ایجاد می شود و مقابله با آن ها و حل مشکل با دشواری های زیادی روبروست. چالش می تواند از سوی هر دو نوع عوامل دور نی و بیرونی ایجاد گردد، هرچند اغلب چالش ها از بیرون تحمیل می شوند. سومین واژه، مانع، همچنان که از خود کلمه برمی آید به معنای بازدارنده و جلوگیری

کننده است و چیزی است که باعث توقف حرکت و سد شدن یک جریان می‌شود. از این‌رو و با توجه به تفاوت‌های این سه دسته به بیان مهم‌ترین عوامل هر کدام می‌پردازیم.

آسیب اجتماعی هر نوع رفتاری است که با ارزش‌های شناخته‌شده جامعه در تعارض باشد و باعث اختلال در کارکرد فرد، خانواده یا جامعه بشود. چالش به مشکلات بزرگ و بغرنجی گفته می‌شود که در مسیر یک جریان یا حرکت ایجاد می‌شود. مانع چیزی است که باعث توقف حرکت و سد شدن یک جریان می‌شود.

2. آسیب‌های تمدن نوین اسلامی:

با عنایت به وضعیت فعلی ملت‌های مسلمان و جوامع اسلامی که در حال طرح‌ریزی و شکل بخشیدن به این تمدن نوین هستند می‌توان آسیب‌های زیر را برشمرد:

1-2. عدم پیروی از رهبری واحد: هرگونه حرکت اجتماعی و فرهنگی در حال شکل‌گیری، برای جلوگیری از تشتت و چندگانگی در مسیر حرکت، نیازمند آن است که از مبدأ واحدی هدایت و راهبری گردد.

در اینجا نباید این موضوع با تک‌محوری اشتباه گرفته شود. تمرکز و یگانه بودن اتاق فرمان چنین حرکت‌هایی لازمه به نتیجه رسیدن آن است. بدین معنا که ضروری است تفکرات و پیشنهادها مختلف و متنوعی که ممکن است از طریق متفکران و اندیشمندان و گروه‌های نخبه جامعه ارائه گردد در مرکز واحدی تجمع و مورد نقد و بررسی قرار گرفته و نتیجه نهایی برای اجرا تعیین گردد تا بتواند مورد قبول اکثریت جامعه قرار گیرد. در تفکر اسلامی - و به‌طور خاص شیعی- محوریت این تصمیم‌گیری ولایت‌فقیه است. (رضایی، 1386: 62). یکی دیگر از موانع احیای تمدن اسلامی، وجود برخی روایات و استنباط‌ها و برداشت‌های نادرست از روایاتی است که در منابع اسلامی آمده است؛ از جمله، روایاتی که پرچم‌داران قیام‌ها را، طاغوت معرفی کرده و یا قیام‌های قبل از ظهور حجت را شکست‌خورده تلقی می‌کند، درحالی‌که تمسک به چنین اخباری از جهاتی ممنوع است؛ چراکه برخی از آن‌ها جعلی و برخی هم به موضوع و حادثه شخصی مربوط است. بعضی از روی تفسیر صادرشده و قسمتی هم از برداشت‌های غلط ناشی بوده است. علاوه بر این، تمسک به چنین روایاتی با ادله قطعی عقلی و نقلی سازگاری ندارد؛ چراکه آیات و روایات زیادی مثلاً درباره امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه و جهاد با دشمن و عدم پذیرش ظلم وارد شده است که با مفاد آن روایات در تعارض است.

بر مبنای این مقدمات، یکی از آسیب‌هایی که به شدت تمدن نوین اسلامی را تهدید می‌کند عدم پیروی

از رهبري واحد و نداشتن اتاق فکر و تصميم‌گيري است. در تاريخ موارد متعددي از تمدن‌ها و حرکت‌هاي تمدني فكري و فرهنگي به چشم مي‌خورد که در اثر تشتت آرا و عدم تصميم‌گيري واحد، نتوانسته‌اند دوام چندان داشته باشند. گروه‌هاي مرجع در جوامع از اهميت فراواني در عرصه فرهنگ‌سازي و ايجاد مدنيت نوين برخوردار مي‌باشند. هرچه اين گروه‌ها بهتر و بيشتري در مسير صحيح و اسلامي حرکت کنند تمدن سازي نوين اسلامي با دقت و سرعت بالاتري صورت خواهد گرفت. به يقين يکي از راه‌ها و راهبردهاي اساسي مبارزه با تهديدهاي فرهنگي و مقابله با هجمه تمدني و فرهنگي دنياي غرب، تأکيد بر روي هويت و اصالت‌ها و ارزش‌هاي ديني جوامع اسلامي و بالطبع تجديد اعتلاي تمدن اسلامي است، علي‌الخصوص بر اي نسل‌هاي جوان و نيز نخبگان و تحصيل‌کردگان جامعه که به عنوان گروه‌هاي مرجع شناخته شده‌اند. انحراف و غرب‌زدگي در ميان اين طبقه از جامعه منجر به ايجاد انحراف و دور شدن از اهداف و آرمان‌هاي تمدن نوين اسلامي خواهد شد. (نقوي، 1363: 135). آنچه مسلم است اين است که وظيفه گروه‌هاي مرجع در اين حوزه بسيار خطير است و بر آنان است که با توجه کامل بر اين مسئله زمينه ساز ايجاد و گسترش تمدن نوين اسلامي گردند.

2-2. کم‌تحمّل بودن دررسيدين به نتيجه مطلوب: حرکت‌هاي فرهنگي و تمدني، به واسطه ماهيتي که دارند فرايندي زمان‌بر داشته و نیازمند صبر، استقامت، پشتکار و توانمندي‌هاي بالقوه و بالفعل فراواني هستند. از جمله آسیب‌هاي جدي که اين حرکت را به شدت با مخاطره روبرو مي‌کند کم‌تحمّل بودن دررسيدين به هدف آرماني و نتيجه مطلوب است.

2-3. انحراف از مسير و ماهيت سياسي و غيرديني برخي از جنبش‌ها: رويه حرکت‌هاي بيدارگرانه و ضد استعماري و با ماهيت مبارزه با غرب، به سرعت در حال افزايش و گسترش است. با توجه به سرعتي که اين گونه فعاليت‌ها دارند تشخيص و دقت نظر در بطن حرکت‌ها و توجه به ماهيت آن‌ها بسيار ضروري است. سياست زدگي و افسون قدرت باعث سو استفاده از اين گونه جريان‌هاي مردمي و خيزش‌ها به سوي تشکيل تمدني نوين مي‌گردد. (همان، ص 163) در بعضي از موارد پس از موفقيت اوليه حرکت، ماهيت واقعي آن به تدريج تغييرافته و مبتني بر منافع مادي و سياسي که مي‌تواند ملي‌گرايانه محض و غيرديني باشد، نمود پيدا مي‌کند و ماهيت دروني اسلامي آن مورد غفلت واقع مي‌شود.

2-4. جدائي دين از سياست: يکي ديگر از عوامل انحراف و سقوط مسلمين از قدرت، تلقي جدا بودن دين از سياست و نيز ترويج آن است. لازم به ذکر است که ريشه چنين تفکري به پايان قرون وسطي در اروپا برمي‌گردد و پيدايش اين تفکر در اروپا به منظور تقليد و يا از بين حاکم بر آن بود. بديهي است واردکردن چنين تفکري در فرهنگ اسلامي «اسکولاستيک» بردن قدرت کليسا و نيز فلسفه سزاوار نبوده و

امري نا بخردانه است. قياس اسلام با مسيحيت موجود از جهاتي مع الفارق است. رويکرد كليساي سنتي در تبیین جهان و شکوفايي علم، متحجرانه بود درحالي که چنين رويکردي مطرود اسلام است و با شکوفايي علم، مخالف نبوده است بلکه در تعالي آن مشوق عالمان بوده است. تفکيک کار حکومت از کار خدا و دين و به عبارتي جدا انگاري نهاد دين از حوزه اخلاق و غفلت از حوزه نهاد سياست به صراحت در گفتار کشيشان مطرح بوده است. درحالي که اسلام چنين رويکردي را نپذيرفته و براي تمام شئون فردي و اجتماعي دنيوي و اخروي انسان برنامه ارائه کرده است. (ورعي، 1387: 6)

3- چالش هاي تمدن نوين اسلامي

در راه ايجاد و توسعه تمدن نوين اسلامي مشکلاتي وجود دارد که غلبه بر آن ها مشکل است. نمونه هايي از اين گونه مشکلات که مي توان آن ها را چالش قلمداد کرد عبارت اند از:

3-1. فرهنگ مهاجم غربي: تهاجم فرهنگي از جمله مهم ترين چالش ها در روند استقرار تمدن نوين اسلامي در جامعه است. فرهنگ و تمدن غربي که با تکیه بر ابزارها و امکاناتي که در قرون اخير بدان دست يافته است در تلاش است که بتواند سيطره فرهنگي خود را بر تمام جوامع بشري افکند. بدین روي تمدن غربي در تلاش است فرهنگ مادي صرف که همه چيز را در ماديّات و منافع دنيوي مي بيند در تمام جوامع تبديل به فرهنگ غالب نموده و راه را بر هر نوع بديلي ببندد. چالش جدي تمدن نوين اسلامي در تقابل با اين تهاجم فرهنگي و بيرون راندن آن از لايه هاي مختلف اجتماع است. با توجه به تلاش هاي فراواني که غرب در حداقل صدساله اخير در راستاي گسترش فرهنگ خود در سطح جهاني نموده است توانسته است از طرق مختلف موفقيت هاي فراواني را کسب کند. رواج فرهنگ مصرف گرايي و تجمل در جوامع از جمله نتايجي است که در اثر اين تلاش ها ايجاد شده است. (مدني بجستاني، 1374: 84)

3-2. اختلاف افکني در ميان مسلمانان: چالش بسيار جدي که امروزه اکثر کشورهاي اسلامي با آن دست و پنجه نرم مي کنند اختلافات قومي و مذهبي است. اين مسئله قرن ها است که به طرق مختلف ايجاد گرديده و بر آن دامن زده شده است. در صورتي که وحدت در ميان مسلمانان جاري گردد تحقق تمدن نوين اسلامي با سرعت بسيار بيش تري امکان پذير خواهد بود. دشمنان به خوبي بر اين نکته واقف گرديده و در تلاش هستند تا بتوانند اين روند را با روش هاي گوناگون متوقف سازند. نمونه هاي اين تلاش ها، ايجاد و حمايت از گروه هاي تروريست و ارهابي در ميان مسلمانان و تقويت و پشتيباني از آنان مانند طالبان و القاعده است. امام خميني (ره) به عنوان يک روشنفکر مذهبي و يک مسلمان واقعي تمامي جوانب را در نظر گرفته و براي امت اسلامي تلاش مي کرد. اندیشه وحدت از دیدگاه امام خميني وسيله و ابزار اصلي

نفي سبيل و سلطه غيرمسلمان بر امت اسلامي بوده و وحدت رمز پيروي و بقاي امت اسلامي است. (موسوي خميني، 1368: 6). از جمله چيزهايي که بر اي قيام مسلمانان و مستضعفان جهان عليه چپاولگران جهاني و مستکبران جهان خوار لازم به تذکر است آن است که نوعاً قدرت هاي ستمگر از راه ارعاب و تهديد يا به وسيله بوق هاي تبليغاتي خودشان و يا به وسيله عمال مزدور بومي خائنشان مقاصد خود را اجرا مي کنند؛ در صورتي که اگر ملت ها با هوشياري و وحدت در مقابلشان بايستند موفق به اجراي آن نخواهند شد. (موسوي خميني، 1368: 91)

3-3. طغيان مادي نگري در تفکر جامعه: مادي نگري از آثار مخربي است که تمدن غرب بر جوامعي که بر آن ها تسلط پيدا مي کند جاري مي نمايد. تفکرات صرفاً مادي و بر پايه منافع شخصي که چهره ويژه اي در مکاتب سياسي و اجتماعي غرب دارد با گسترش در ميان مسلمانان چالش بزرگي را در ميان اقوام و جوامع مسلمان ايجاد نموده است. نگاه مادي غالب در تفکر تمدن غرب با امکانات نظامي که در اختيار مستکبران قرار داده است در تعارض جدي با دستورات و تعاليم اسلام قرار دارد. اين تفکر و رويکرد باعث شده است که تلاش مردمان نه بر رفع مشکلات و حوائج اقتصادي، بلکه بر ثروت اندوزي و تجمل گرایی و تکیه و توجه به منافع شخص و مادي متمرکز گردد و مهم ترین مشکلي که ايجاد خواهد نمود جلوگیری از جاري شدن فرهنگ اصیل اسلامي و به تبع آن ايجاد مانع در تشکيل تمدن نوين اسلامي خواهد شد. (مدد پور، 1377: 38)

دستاورد ديگر غرب مدرن، نيهيليسم بود که در فارسي معادل پوچ انگاري يا یأس فلسفي ترجمه شده است. طرفداران نيهيليسم، ساحت غيبي و حضور خدا را نيست مي انگارند يا اگر به آن اعتقاد دارند براي اين ساحت غيبي، جز مقام خالقيت، شأن حضور قائل نيستند؛ حضور، هدايت و تأثيرگذاري آن را بر زندگي رد مي کنند. (بهمن پور، 1386: 8).

4- موانع تمدن نوين اسلامي:

بر سر راه تمدن نوين اسلامي، در کنار آسيب ها و چالش هايي که وجود دارد موانعي نيز باعث کندي حرکت و جلوگیری از انجام برنامه ها و تمدن سازي مي گردد. نمونه هايي از اين موانع را مي توان اين گونه نام برد:

4- 1. مشکلات اقتصادي جوامع مسلمان: وضعيت اقتصادي و معيشتي جامعه همواره دغدغه اصلي متوليان و آحاد مردم بوده است. در واقع در صورتي که اين مؤلفه با مشکل روبرو شود تأثير فراواني بر ساير

جنبه‌های مادی و معنوی جامعه خواهد گذاشت. احادیث فراوانی درباره فقر در کتب حدیثی موجود است و توجه به باب‌های مربوط به امر تجارت و مسائل مالی در احکام فقهی نشانگر اهتمام خاص اسلام بر این مسئله بوده است. فرهنگ‌سازی و ایجاد تمدن نوین جز بر پایه ساخت‌های اقتصادی که توان اجرای آن‌ها را داشته باشد امکان‌پذیر نخواهد بود. منظور از این بحث رفاه کامل مادی جامعه نیست، بلکه ایجاد ثبات اقتصادی و جلوگیری از برهم ریختگی در این حوزه کمک زیادی بر پیشبرد اهداف فرهنگی خواهد نمود. (رضایی، 93:1386). البته یکی از ضروریات حل مسائل اقتصادی نیز ارائه راهکارهای فرهنگی و بالا بردن وضعیت فکری جامعه و دادن قوه درک و فهم دقیق مسائل بر مردمان است تا مسئولان امر را در رسیدن به اهداف مطلوب خویش یاری نمایند.

2-4. عدم توجه به عقلانیت دینی: یکی از موانع اصلی پیشرفت در جامعه اسلامی دگم‌اندیشی دینی و مذهبی و عدم توجه به عقلانیت دینی است. اشاعره و اخباریان نمود اولیه و اصلی این نوع تفکر بوده‌اند. پویایی دستورات و احکام دینی که به اصطلاح فقه پویا نامیده شده است یکی از جنبه‌های مهم اسلام است که در میان برخی از جوامع مورد غفلت واقع شده و یا در برخی موارد دیگر با افراط مواجه گردیده و آسیب‌های جدی وارد نموده است.

از منظر اسلام عقلانیت ناظر به قوه عاقله درون انسان است که به کارگیری آن، یعنی تعقل، انسان را به سوی خدا سوق می‌دهد و بندگی او را به ارمغان می‌آورد؛ بنابراین عقلانیت اسلامی بدین معنی است که انسان با بهره‌مندی از قوه عاقله در جهت گرایش‌های عالی انسانی و الهی تعقل می‌کند و حیات فردی و اجتماعی خود را به سوی خدا و بندگی او سوق می‌دهد در واقع تمدن اسلامی بدون عمومی شدن عقلانیت اسلامی به وجود نمی‌آید، لذا امروز وظیفه دانشمندان و روشنفکران مسلمان است که از یک سو در عقلانیت اسلامی به کاوش بپردازند و با اتکا به معارف فقهی و اصولی و همچنین با استفاده از دستاوردهای علمی اسلام در فلسفه، عرفان و حدیث و معارفی که امروز بشر بدان‌ها نائل شده، ماهیت عقلانی اسلام را کشف و اجزا و ارکان آن را دریابند و از سوی دیگر این معرفت را در حد مبانی و اصول که در عمل قابل کاربرد باشد برای عموم تشریح کنند. (لاریجانی، 23:1370)

عمده مشکلات و فاصله‌هایی که میان احکام و دستورات دینی و رفتار و فرهنگ مردم در جوامع مختلف بروز نموده است ریشه در نبود عقلانیت دینی داشته و عدم تفکر و تعقل رهبران دینی در احکام و بازنگری همراه با تفسیر و توضیح درست آن است. از سوی دیگر عقلانیت صرف بدون داشتن سابقه و رنگ دینی و عدم مراجعه به ضروریات دین، باعث کج روی‌های زیادی شده است. هر دو لبه این بحث که همانا تکیه بر عقل بدون توجه به تعالیم دینی و برخلاف آن دگم‌اندیشی و عدم اعتنا به تفکر و استنتاج عقلی

در فرایند احکام فقهی مانع حرکت درست تمدن نوین اسلامی خواهند شد. (براتلو، 1388: 211)

3-4. انحراف و کج‌فهمی در گروه‌های مرجع: گروه‌های مرجع در جوامع از اهمیت فراوانی در عرصه فرهنگ‌سازی و ایجاد مدنیت نوین برخوردار می‌باشند. هرچه این گروه‌ها بهتر و بیشتر در مسیر صحیح و اسلامی حرکت کنند تمدن‌سازی نوین اسلامی با دقت و سرعت بالاتری صورت خواهد گرفت. به‌یقین یکی از راه‌ها و راهبردهای اساسی مبارزه با تهدیدهای فرهنگی و مقابله با هجمه تمدنی و فرهنگی دنیای غرب، تأکید بر روی هویت و اصالت‌ها و ارزش‌های دینی جوامع اسلامی و بالطبع تجدید اعتلای تمدن اسلامی است، علی‌الخصوص برای نسل‌های جوان و نیز نخبگان و تحصیل‌کردگان جامعه که به‌عنوان گروه‌های مرجع شناخته شده‌اند. انحراف و غرب‌زدگی در میان این طبقه از جامعه منجر به ایجاد انحراف و دور شدن از اهداف و آرمان‌های تمدن نوین اسلامی خواهد شد. (نقوی، 1377: 135)

یا فته‌های پژوهش:

تمدن نوین اسلامی که در سال‌های اخیر روند ایجاد و تکوین آن در حال صورت گرفتن است با توجه به وضعیت اقتصادی، فکری و فرهنگی جوامع اسلامی و تلاش‌ها و مقابله‌های صورت گرفته از سوی غرب با آسیب‌ها، چالش‌ها و موانعی روبرو گردیده که از جمله آن‌ها می‌توان به عدم پیروی از رهبری واحد، تعجیل در رسیدن به نتیجه مطلوب، انحراف از مسیر و ماهیت سیاسی و غیردینی برخی از جنبش‌ها، فرهنگ مهاجم غربی، اختلاف افکنی در میان مسلمانان، طغیان مادی‌نگری در تفکر جامعه، مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان، عدم توجه به عقلانیت دینی و انحراف و کج‌فهمی در گروه‌های مرجع اشاره نمود.

راهکارهای مقابله با این چالش‌ها و موانع را می‌توان چنین بیان کرد:

کم‌تحمّل بودن در رسیدن به نتیجه مطلوب: گروه‌های مرجع در این زمینه وظیفه دارند با آگاه ساختن بدنه جامعه و توده مردم از این موضوع، انتظارات و توقعات آنان را نسبت به این جریان واقعی ساخته و با تشریح وضعیت موجود و اهداف و آرمان‌های مطلوب جامعه تمدن نوین اسلامی از سرخوردگی و ناامیدی مردم جلوگیری کنند. بدیهی است در این راه می‌بایست در برابر شبهه افکنی‌ها و تلاش‌هایی که مخالفان و گروه‌های رقیب، از آمادگی کافی ذهنی و فکری برخوردار باشند. (رضایی، 1386: 37)

فرهنگ مهاجم غربی: متفکران و اندیشمندان حوزه تمدن نوین اسلامی می‌بایست با ارائه راهکارها و روشنگری در میان مردم و همچنین تلاش در معرفی اهداف و نتایج پنهان فرهنگ‌های مهاجم غربی و آثار و

نتایج مخرب آن تلاش نمایند تا این چالش جدی تبدیل به فرصت‌های مغتنمی برای هدایتگری بیشتر در جامعه گردد. بهره‌گیری مناسب و به‌روز از همان ابزارهایی که در روند تهاجم فرهنگی مورد استفاده غرب قرار می‌گیرد از جمله ماهواره و اینترنت در جهت مقابله با آن از راهکارهای مناسبی است که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

اختلاف افکنی در میان مسلمانان: راهکار اصلی در فرهنگ‌سازی و روشنگری در میان جوامع مسلمان است. این وظیفه می‌بایست توسط دولتمردان از یک سو و از سوی دیگر توسط اهل فکر و فرهنگ و متفکران و اندیشمندان و رهبران دینی انجام پذیرد. (موثقی، 1371: 38).

طغیان مادی نگری در تفکر جامعه: بازخوانی و یادآوری تعالیم و دستورات دین مبین اسلام در این حوزه و بیان شیوا و در زبانی قابل پذیرش و امروزی از سوی رهبران فکری و فرهنگی جامعه و تلاش برای گسترش روحیه تعاون و همیاری در میان مسلمانان و اجرای درست احکام و قواعد اقتصادی اسلام نظیر احکام تجارت، خمس و زکات و گسترش روحیه تعاون و همیاری در میان مسلمانان و اجرای درست احکام و قواعد اقتصادی اسلام نظیر احکام تجارت، خمس و زکات راهکار مبارزه با طغیان مادی‌گری است.

انحراف و کج‌فهمی در گروه‌های مرجع: برای مقابله با این مانع می‌بایست اقدام به اعتلا و بالا بردن وضعیت آموزش و پرورش و حوزه تحصیلات تکمیلی و اهمیت قائل شدن به این حوزه نمود. با آموزش صحیح مبانی فکری و فرهنگی و تأمین و تهیه کتب و منابع آموزشی به‌ویژه در حوزه علوم انسانی از انحراف در گروه‌های مرجع و از غرب زدگی آنان جلوگیری نمود و به تبع آن هدایت صحیح مخاطبان گروه‌های مرجع که عموم مردم جامعه هستند دست یافت.

نتیجه‌گیری

تمدن نوین اسلامی که در سال‌های اخیر روند ایجاد و تکوین آن در حال صورت گرفتن است با توجه به وضعیت اقتصادی، فکری و فرهنگی جوامع اسلامی و تلاش‌ها و مقابله‌های صورت گرفته از سوی غرب با آسیب‌ها، چالش‌ها و موانعی روبرو گردیده که از جمله آن‌ها می‌تواند به عدم پیروی از رهبری واحد، انحراف از مسیر و ماهیت سیاسی و غیردینی برخی از جنبش‌ها، تقلید گرایی از فرهنگ غرب، اختلافات و عدم انسجام و وحدت در بین مسلمانان، طغیان مادی نگری و پوچ‌گرایی در تفکر جامعه، مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان و عدم توجه به عقلانیت اسلامی اشاره نمود. راهکارهای مقابله با این چالش‌ها و موانع را می‌تواند چنین بیان کرد:

انحراف از مسیر و ماهیت سیاسی و غیردینی برخی از جنبش‌ها: دقت در تطابق فعالیت‌ها و اهداف با مبانی اسلامی و نیز شناساندن رهبران و مجریان حرکت‌ها پیش از رسیدن به مراحل نهایی.

تقلید گرایی از فرهنگ غرب: متفکران و اندیشمندان حوزه تمدن نوین اسلامی می‌بایست با ارائه راهکارها و روشنگری در میان مردم و همچنین تلاش در معرفی اهداف و نتایج پنهان فرهنگ‌های مهاجم غربی و آثار و نتایج مخرب آن تلاش نمایند تا این چالش جدی تبدیل به فرصت‌های مغتنمی برای هدایتگری بیشتر در جامعه گردد. بهره‌گیری مناسب و به‌روز از همان ابزارهایی که در روند تهاجم فرهنگی مورد استفاده غرب قرار می‌گیرد از جمله ماهواره و اینترنت در جهت مقابله با آن از راهکارهای مناسبی است که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. آنچه تمدن غرب با وجود تمام پیشرفت‌های خود، نتوانست به آن دست یابد عدم اعطای آرامش معنوی و روحی به انسان به واسطه عدم توجه به جنبه‌های حقیقی تمدن و رعایت اصول و مبانی الهی در سبک زندگی انسان و دوری از اخلاق و معنویات است. از این‌رو در جهت شکوفایی و گسترش تمدن نوین اسلامی می‌بایست از تقلید گرایی پرهیز شود.

در روایات بسیاری از ائمه معصوم نیز به این دو مهم یعنی وحدت و تفرقه اشاره شده است. فقط کافی است با دیدی متفکرانه به آن‌ها نگریم و نکات آن را استخراج کرد. طغیان مادی نگری و پوچ‌گرایی در تفکر جامعه: بازخوانی و یادآوری تعالیم و دستورات دین مبین اسلام در این حوزه و بیان شیوا و در زبانی قابل‌پذیرش و امروزی از سوی رهبران فکری و فرهنگی جامعه و تلاش برای گسترش روحیه تعاون و همیاری در میان مسلمانان و اجرای درست احکام و قواعد اقتصادی اسلام نظیر احکام تجارت، خمس و زکات، جامعه‌ای که در پی ساختن تمدن نوین اسلامی است ضرورت دارد در جهت رسیدن به این هدف متکلی به خود باشد و خودباوری را در جامعه رواج دهد. سرمایه دینی، سرمایه‌ای بس گران‌بها برای هر جامعه‌ای است. تمدن سازی نوین دارای مشکلات و دشواری‌هایی است

که صبر و استقامت و پشتکاری می‌طلبد که جز با توسل به سرمایه‌های امکان‌پذیر نخواهد بود. آنچه باعث می‌گردد هر فعالیتی به سرانجام مطلوب خود برسد داشتن خودباوری و باور به موفقیت است. این باور در ذات خود نیرویی به انسان می‌دهد که تلاش او را چندین برابر می‌نماید. برای انجام هر کار، باید اول باور پیدا کنیم که این کار، می‌تواند انجام شود. اعتقاد داشتن به این که کاری می‌تواند انجام پذیرد، ذهن را برای یافتن راه انجام آن به حرکت وامی‌دارد. وقتی به کاری باور داشته باشید، فکرتان راه‌های انجام آن را پیدا می‌کند. این آزمایش، تنها یک نتیجه دارد و آن این که وقتی بپذیرید که چیزی ناممکن است، فکرتان در پی دلایلی می‌گردد که این مطلب را اثبات کند؛ ولی وقتی باور حقیقی داشته باشید که کاری شدنی است، فکرتان راه‌های انجام آن را می‌یابد. باور داشتن به

امکان تحقق مسائل، در حقیقت، جاده را برای راه‌حل‌های خلاق، هموار می‌سازد؛ درحالی‌که باور داشتن به عدم تحقق آن‌ها، تفکری ویرانگر است. باور به اینکه می‌تواند تمدن نوینی در جهان اسلام ایجاد نمود مسیر حرکت را روشن و هموار خواهد نمود.

مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان: در تمدن سازی جدید اسلامی، هدف اصلی اجرای صحیح تعالیم مکتب اسلام است. به کار بستن بی‌کم‌وکاست تعالیم اسلام باعث آن خواهد شد که از رویگردانی از اسلام به بهانه‌های مختلف جلوگیری گردد. اسلام هراسی که امروزه به‌شدت از سوی بنگاه‌های تبلیغاتی غرب ترویج می‌گردد ناشی از برخی کج‌فهمی‌ها و کج روی‌ها در عمل به تعالیم اسلام است. در گستره زندگی فردی و اجتماعی انسان، از اصطلاح عقل معاش نام‌برده شده است. عقل معاش را می‌تواند در مفهوم جامع خود مترادف سبک زندگی دانست، زیرا ناظر به مهم‌ترین محورهای سبک زندگی است، عقل معاش به تعبیری همان عقل زندگی، عقل اقتصادی و عقل اجتماعی است که به فردی که در جامعه زندگی می‌کند و به‌نوعی درگیر مسائل اقتصادی و اجتماعی است توانایی فعالیت مؤثر را می‌دهد. عقل معاش با شاخص‌هایی مانند الگوی مصرف، کار و تولید، شیوه گذران اوقات فراغت، آداب معاشرت، الگوهای زندگی خانوادگی، بهداشت، سلامت و بس یاری از مسائلی که در متن زندگی ما مطرح است ارتباط دارد.

عدم توجه به عقلانیت اسلامی: در فرهنگ اسلامی، قرآن کریم به‌عنوان تبیین‌کننده همه نیازهای آدمی در رأس منابع دینی قرار دارد. سرگذشت تمدن‌های پیشین و مطالعه تاریخ آنان به‌خوبی ضرورت عمل به تعالیم قرآن را بر ما آشکار خواهد نمود. بشر برای رسیدن به کمال نیازمند برنامه‌ای جامع و کامل است که بتواند با اعتماد و تکیه بر آن در مسیر نیل به کمال حرکت کند. ارائه الگوهای برجسته تفکر صحیح عقلانی بر پایه اصول و مبانی دینی پرداخت و نخبگان و اندیشمندان اسلامی را به‌سوی این مسیر روانه نمود.

شکل‌گیری یک تمدن اسلامی نوین، مستلزم دو امر اساسی است: اولی ایجاد وحدت در جهان اسلام؛ جهان اسلام نیازمند توسعه وحدت و همدلی است و این وحدت نباید فقط یک امر سیاسی و بین‌دولتی‌ها باشد، بلکه با توجه به شرایط نامطلوب حاکم بر اغلب دولت‌های کشورهای مسلمانان، باید با کمک پایگاه‌های سنتی و نهادهای غیر حکومتی، وحدت و همدلی در میان ملت‌های اسلامی گسترش یابد و از ترویج هر نوع فکر و رفتار تنش‌زا و اختلاف آفرین جلوگیری شود. دومی معرفی تمدن نوین اسلامی به غرب؛ کشورهای اروپایی و غربی با استفاده از ابزارهای قدرتی که در اختیاردارند، فرهنگ و تمدن اصیل شرقی را نادیده گرفته و سعی در ایجاد تصویری از فرهنگ و تمدن غرب به‌عنوان فرهنگ اصیل انسانی دارند؛ حال‌آنکه تاریخ و تمدن آن‌ها در مقابل تمدن اسلام و به‌طورکلی تمدن شرقی، حرفه‌ای زیادی برای گفتن

ندارد؛ اما شناساندن تمدن و تاریخ درخشان اسلام و همچنین دستاوردهای آن، مستلزم ایجاد یک تمدن اسلامی قدرتمند است. بیداری اسلامی در منطقه، حادثه مهمی است که در صورت مدیریت صحیح، می‌تواند در تغییر نگاه مسلمانان به دنیا و ایجاد منافع مشترک بین آن‌ها مؤثر واقع گردد. لذا چالش‌های اشاره شده فوق همچنان باقی است و جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام القریای کشورهای اسلامی، باید در جهت رفع آن‌ها و هموار نمودن این مسیر، تلاش نماید. عظمت و اقتدار مسلمانان و تمدن اسلامی باید از همان نقطه‌ای آغاز شود که در آن نقطه متوقف شد و درهم شکست. این نقطه، پیشرفت علم و حکمت در پرتو آزادی تفکر اندیشه بود. اگر نهضت اسلامی یا جریان‌های اسلام‌گرایی درصدد بازگشت به اقتدار و عظمت پیشین هستند راه این اقتدار از تحول در فکر و اندیشه می‌گیرد، نه از جمود و تحجر و نه از تکفیر و انتحار. اثبات برتری و حقانیت هر اندیشه و ایدئولوژی با خون و خشونت درواقع نمایشی از ناکامی و شکست است. برتری و حقانیت را باید با ایجاد تمدن برتر و نظام بهتر در جهان بشریت نشان داد.

با توجه به اینکه اولین قدم برای تمدن سازی، شناخت عمیق و دقیق تمدن است و برای نیل به این مهم، مطالعه مهم‌ترین خصوصیات و ویژگی‌های تمدن اسلامی دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ لذا پژوهش حاضر باهدف واکاوی خصوصیات و ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی انجام شد. در باب تعریف تمدن به طور اعم و تمدن نوین اسلامی به طور اخص، بین آثار محققان این حوزه، همگرایی مشاهده نگردید و درواقع، هر یک بیشتر متمرکز بر جنبه‌های از تمدن نوین اسلامی بوده و بحث خود را حول آن محور قرار دادند. ولی به طور کلی می‌تواند اظهار داشت که محور اصلی تمدن اسلامی، خدامحوری، عدالت‌گستری، اخلاق‌مداری، عقلانیت و مواردی از این دست است. در رابطه با عوامل تمدن ساز به طور اعم، به نظام‌های آموزشی، سنت علمی، روش‌های پژوهش و نحوه به کارگیری علم در میدان عمل اشاره گردید که در جوامع اسلامی نیز این عوامل در زمره مهم‌ترین عوامل تمدن ساز به شمار می‌روند. در باب مؤلفه‌ها و ویژگی‌های تمدن اسلامی نیز برخی محققان به طور کلی به وجود دو جنبه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تمدن پرداخته و برخی دیگر، مؤلفه‌ها و شاخص‌های دیگری از جمله قرآن و سنت را به مثابه مهم‌ترین شاخص‌های زیربنایی تمدن اسلامی معرفی نمودند. در هر تمدنی مشکلات و نابسامانی‌هایی نیز وجود دارد و تمدن اسلامی نیز مبری از این مشکلات نخواهد بود؛ به همین دلیل در ادامه بحث مربوطه، مسائل و مشکلات تمدن اسلامی و فرصت‌های پیش رو این تمدن مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. بدون تردید یکی از اولین گام‌ها برای کاوش در تمدن اسلامی، شناخت جنبه‌های مختلف این تمدن است؛ هرچند شمول و گستردگی دین مبین اسلام و تمدن نوین اسلامی که بر پایه آموزه‌های آن شکل گرفته، بسیار گسترده و ژرف بوده و نیازمند تحلیل همه‌جانبه عوامل دخیل و ذی‌ربط فراوانی است که به هیچ عنوان در قالب این نوشتار نمی‌گنجد، با این حال، تلاش گردید تا اشاره‌ای مختصر به برخی از این ابعاد و مؤلفه‌ها نموده و به نوعی، این نوشتار مختصر، سرآغازی برای انجام پژوهش‌های عمیق و ژرف نگرا نه اندیشمندان و صاحب نظران علاقه‌مند به مباحث تمدن شناسی باشد.

بهمن پور، محمد سعید. (1386). فراز و نشیب عقلانیت. انتشارات نوادر

تقی نیا، الهام؛ صوفی، نصیرعلی؛ رستمی، فرشته. (1313). شاخصه‌های تمدن اسلامی از منظر آیات و روایات. فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی 20(3): 22-3

جهان‌بین فرزاد، معینی پور مسعود. (1393). فرآیند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی؛ 11(39): 29-46.

جان احمدی فاطمه. (1386) تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: انتشارات معارف-24

حسنین هیکل، (1363)، ایران: روایتی که ناگفته ماند، ترجمه حمید احمدی، تهران، انتشارات الهام

داوری اردکانی، رضا. (1380). تمدن و تفکر غربی. تهران: انتشارات ساقی -110

دیلمی، شیرویه، (1986)، الفردوس الاخبار بمأثور الخطاب،، به کوشش سعید بسیونی زغلول، بیروت

رضایی، علیرضا و قاسم ترابی، (1389)، تبیین جایگاه فرهنگ در نظریه‌های سیاست و روابط بین‌الملل (فرهنگ به‌عنوان عرصه‌ای برای تعامل یا تقابل)، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره سیزدهم،

شفیعی، نوذر و فاطمه رضایی (1391)، "نقد و ارزیابی نظریه سازهانگاری"، مجله علمی تخصصی پژوهش‌های سیاسی، سال اول، شماره چهارم، تابستان

رضایی، عبدالعلی. (1386). مهندسی تمدن اسلامی. قم. انتشارات فجر ولایت.

عبداللهی خانی، علی، (1383)، نظریه‌های امنیت (مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر

علوي، سيد علي، (1385)، زندگي و زمانه سيد حسن تقی زاده،، چاپ اول، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌هاي سياسي

کرمي، جهانگیر، (1383) "سياست خارجي از منظر تکوين گرايي اجتماعي"، فصلنامه راهبرد، شماره 31،

کورت، پل و جفري لگرو، (1390)، هنجارها، هویت و حدود آن‌ها: یک تکرار نظري»، در فرهنگ امنیت ملي، نوشته پيتر. جي کاتزنشتاین، ترجمه محمدهادي سمتي، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردي،

کسمایي، علي‌اکبر (1354). قرن دیوانه، بحران تمدن و فرهنگ و نادانی‌هاي دوران دانش. تهران: مؤسسه انتشارات بعثت، ج. دوم.

کلود زیچ، ادوارد، (1390)، امنیت روابط بین‌الملل، ترجمه نادر پور آخوندي، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردي، چاپ دوم

کنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، (۱۳۶۵)، المتقي الهندي، بيروت، مؤسسه الرساله،

لاریجاني، محمدجواد، (1370)، تمدن نوین بر اساس عقلانیت اسلامي، نشریه مجلس و پژوهش، پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي

مشیر زاده، حمیرا و حیدر علي مسعودي، (1388)، "هویتها و حوزههاي مفهومي روابط بین‌الملل"، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سياسي، دوره 39، شماره 4

مظاهري ابوزر. (1313). بيداري اسلامي؛ خيزش تمدني اسلام، تبیین نظريه مقام معظم رهبري در باب بيداري اسلامي. معرفت سياسي؛ 6(1) 143- 125

محمدباقر مجلسي، بحارالانوار؛؛ تعليق: جواد العلوي، محمد الاخوندي؛ تهران: دارالکتب الاسلاميه، بي تا.

محمد بن محمد، جامع الأخبار، شعيري،، نجف اشرف، المطبعة الحيدرية، بي تا

مشیر زاده، حمیرا، (1383)، "سازه‌انگاری به‌عنوان فرا نظریه"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره 65،

مشیر زاده، حمیرا، (1384)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت،

متقی، ابراهیم و کاظمی، حجت، (1386)، سازه‌انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره 37، شماره 4

معینی علمداری، جهانگیر و عبدالمجید راسخی، 1389"، روش‌شناسی سازه‌انگاری در حوزه روابط بین‌الملل"، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره چهارم، پاییز

مدنی بجستانی، محمد. (1374). مقابله با تهاجم فرهنگی. قم. دفتر تبلیغات اسلامی.

موسوی خمینی، روح‌الله. (1368). صحیفه انقلاب، وصیت‌نامه سیاسی الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران... سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مدد پور، محمد. (1377). زندگی در برزخ تمدن غربی و تمدن اسلامی. تهران. کتاب نقد.

موثقی، سید احمد. (1371). استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام. قم. دفتر تبلیغات اسلامی.

نراقی، جامع السعادات، مهدی بن ابی‌ذر، تصحیح محمد کلانتر، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا

نقوی، علی‌محمد. (1363). جامعه‌شناسی غرب‌گرایی. تهران. انتشارات امیرکبیر.

ورعی، جواد. (1387). امام خمینی و احیای تفکر دینی. موسسه چاپ و نشر عروج.

ونت، الکساندر، (1384)، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیر زاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

ولایتي، علي‌اکبر (1386) پويایي فرهنگ و تمدن اسلام و ایران. تهران: مرکز چاپ و نشر وزارت امور خارجه، ج.اول و دوم

هويڤ، تد، (1386) «نوید مکتب برساږي براي نظريه روابط بين‌الملل»، اندرو لينکليتر، نوواقع‌گرايي، نظريه انتقادي و مکتب برساږي، ترجمه عليرضا طيب، دفتر مطالعات سياسي و بين‌المللي

همايي، جلال‌الدين، (1362)، تاريخ علوم اسلامي، چاپ اول، تهران، نشر هما،

ابن‌بابويه، من لا يحضره الفقيه،، به کوشش علي‌اکبر غفاري، قم، 1404 ق

1. کارشناس ارشد روابط بين‌الملل دانشگاه علامه طباطبائي تهران